

فارنهایت ۴۵۱

نویسنده: ری بردبری

مترجم: علی شیعه‌علی

سبزان

سر شنبه

عنوان و پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهر

شایک

وضعیت فهرست نویسی : فیا

بادداشت

یادداشت

عنوان: د مگ

موضوع

شناسه افزوده

وده بندی گنگره

رده بندی دیوپی

شماره کتابشناسی ملی: ۲۲۰۰۳۶۱



اقتضات السمعان

میدان فردوسی - خیابان فرصت - ساختمان ۵۴ تلفن: ۸۸۸۴۷۰۴۴ - ۸۸۳۱۹۵۵۸

۴۵۱ فارنهایت

- نویسنده: ری بردبری
- مترجم: علی شیعه‌علی
- ناشر: سبزان
- خدمات نشر: واحد فنی سبزان
- ۸۸۳۴۸۹۹۱
- نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۰
- تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه
- قیمت: ۴۰۰۰ تومان
- چاپ و صحافی: معراج

فروش اینترنتی و online از طریق سایت آی آی کتاب www.iiketab.com

ISBN 978-600-117-037-9 ٩٧٨ - ٦٠٠ - ١١٧ - ٠٣٧ - ٩ ﻻﻳﻚ

ترجمه این کتاب با احترام و سپاس

فراوان تقدیم به پدر بزرگ بزرگوارم:

علی اصغر شیعه علی

عاشق قدیمی کتابها

www.ketab.ir

فهرست

صفحه	عنوان
۷	مقدمه مترجم
۹	بخش اول: چه لذتی است سوزاندن
۷۵	بخش دوم: الک و ماسه
۱۱۷	بخش سوم: سوختن درخشان
۱۶۷	مصاحبه با ری بردبری
۱۷۳	حواشی

مقدمه مترجم

ری داکلاس بردبری نویسنده، مقاله‌نویس، نمایش‌نامه‌نویس و شاعر آمریکایی متولد واکینگان ایالت الینوی آمریکا استاد مسلم سبک‌های فانتزی، وحشت و علمی-تخیلی بود. البته بردبری هیچ‌گاه خودش را یک نویسنده داستان‌های علمی-تخیلی نمی‌دانست و تنها همین اثر پیش رو را در این سبک ادبی جای می‌داد، اما با بررسی کوتاهی در آثار او رگه‌های پررنگ این گونه ادبی را می‌توان دید. به هر حال سبک و گونه آثار داستانی بردبری هر چه که باشد، در اکثر آنها یک ویژگی بارز مشترک وجود دارد که ناشی از دید خود اوست. این ویژگی تلخی و سیاه‌بینی نسبت به آینده است. بردبری تا حد زیادی معتقد به حفظ سنت‌ها و ارزش‌های والای فرهنگی است. او البته این سنت‌ها و ارزش‌ها را در غالب موارد در تضاد با پیشرفت نمی‌بیند، بل که با تخریب و یا دست کم فراموشی آنها به بهانه پیشرفت و تحول مخالف است. با این حال گویی که سرنوشت محتوم این سنت‌ها را مرگی در آینده‌ای نه چندان دور می‌بیند. او چندان با خوش‌بینی به فردا نگاه نمی‌کند.

اما «فارنهایت ۴۵۱» را بسیاری شاهکار شماره یک او می‌دانند و حتی خود او هم نگاهی ویژه به آن دارد. این اثر که ترسیم‌کننده آینده‌ای تلخ برای کشور آمریکاست، پیش و بیش از هر چیز دنیای آینده این کشور را مبتنی بر دروغ و فریب می‌بیند. ارزش‌ها انگار زیر خروارها آهن و فولاد مدفون شده‌اند و حتی دیگر کسی آنها را به یاد ندارد. دنیایی سرد و فولادی به وجود آمده که در آن قرص خواب پرمصرف‌ترین کالای مردم است. در این بین کسانی که سابق بر این آتش را فرو می‌نشاندند، حالا خود آتش می‌افکنند (و کتاب می‌سوزانند) و این طنزی تلخ در خود پنهان دارد. اما شاید بر خلاف نظر بسیاری قهرمان اصلی این داستان کتاب‌ها نباشند. شاید اصل موضوع بر سر همین مرگ احساس و ارزش‌ها باشد. در یکی از زیباترین و مهم‌ترین لحظات کتاب، وقتی شعری خوانده می‌شود، زنی شروع به گریه می‌کند و آن‌قدر

دوستانش را شگفت‌زده می‌کند که یکی از آنها از او فرار می‌کند. حتی خود زن هم شوکه شده که چه بر سرش آمده است. این اشک‌ها چیست؟

فارنهایت ۴۵۱ یک اثر علمی-تخیلی است و اما یک تفاوت بسیار روشن و مهم با بسیاری از آثار این گونه ادبی دارد. بیشتر این آثار پس از گذشت چند سال جذابیت خود را از دست می‌دهند؛ به این دلیل که اغلب صرفاً مبتنی بر پیشرفت‌های فنی بشر و تحولات علمی و صنعتی جوامع انسانی هستند و پس از چند سال یا دهه وقتی واقعاً بشر به آن درجه از پیشرفت (و حتی بیشتر از آن) رسید، دیگر تازگی خود را از دست می‌دهند و اصطلاحاً بیات می‌شوند. اما فارنهایت ۴۵۱ به مانند آثار بزرگ و ماندگار این سبک ادبی در پشت این لایه ظاهری خود (این پیشرفت‌ها و تحولات) حرف‌هایی پنهان دارد. حرف‌هایی از جنسی که هیچ‌گاه غبار گذشت زمان بر آنها نمی‌نشیند. بردبری این رمان را در اوایل دهه پنجاه میلادی نوشت و کاملاً طبیعی است که بشر به دست‌آوردهای علمی بسیار بیشتری نسبت به آن‌چه در این کتاب آمده، رسیده باشد و اما حرف‌های آن هنوز بوی کهنگی نگرفته‌اند و شاید همین مهم‌ترین دلیل مطرح شدن این کتاب باشد. علاوه بر این مورد باید به نثر خاص بردبری اشاره کرد که در این اثر به حد اعلای خود رسیده است. نثری که بیشتر به شعر می‌ماند تا نثر. عنصر خیال در تک تک جملات او به چشم می‌خورد و وزن و آهنگ متن نیز آن‌قدر خوش است که خواننده گاهی فراموش می‌کند با یک اثر داستانی متوتر روبه‌روست و نه یک شعر موزون خوش‌آهنگ. این نکته وقتی جالب‌تر می‌شود که به موضوع، بن‌مایه و هم‌چنین گونه ادبی کتاب توجه کنیم. ورود این عناصر به یک داستان علمی-تخیلی کاری بسیار مشکل است که بردبری به خوبی از پس آن برآمده است. این که به جسم یک داستان با روایت خطی ظاهراً ساده روحی چنین لطیف بدمی، شاید تنها از بردبری و انگشت‌شماری دیگر برآید. بردبری این جسم را هم به حال خود رها نکرده است. متن داستان را هم با نثر پیچیده اما روانش ظاهری زیبا داده است.

اما در مورد ترجمه باید گفت برگرداندن این پیچیدگی و تشبیهات منحصر به فرد در برخی موارد غیرممکن بود و اما تا سر حد امکان تلاش شد تا در عین وفاداری به متن اصلی و روح موجود در آن، برگردانی خوب ارائه گردد. امید که مقبول افتد.